فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هجدهم، بهار۱۳۹۶- صفحات ۲۶۶- ۲۴۷

ساختار مالی بانک محور
و نقش آن در بروز پدیده رکودتورمی در اقتصاد ایران

محمدنقی نظرپور[۱]
ناهید مؤمنی‌نژاد[۲]
میثم حقیقی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۴ **تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۲**

چکیده

در کشور ایران که اقتصاد آن در برخی سال‌هابا پدیده «رکودتورمی» مواجه بوده است، دارای نظام مالی «بانک‌محور»است؛ بدین معنی که عمده تجهیز و تخصیص منابع در این اقتصاد،توسط نظام بانکی صورت می‌گیرد. از این رو با توجه به مهم بودن نقش بانک‌ها در اقتصاد کشور خصوصاً تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی، بررسی جایگاه و نقش آن‌ها در تحقق پدیده رکودتورمی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

مقاله حاضر، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی معتبر، تلاش می‌کند به بررسی این فرضیه بپردازد که «در اقتصاد بانک پایه ایران، بانک‌ها نقش مهمی در بروز پدیده رکودتورمی در اقتصاد کشور داشته‌اند». مقاله به این نتیجه رسیده است که با توجه به بانک‌پایه بودن نظام مالی کشور، عدم اعطای تسهیلات هدفمند از سوی بانک‌ها و حرکت به سمت عقود مشارکتی، افزایش مطالبات غیرجاری، عدم بازگشت بدهی‌های دولت، پیمانکاران و بنگاه‌های دولتی به بانک‌ها، افزایش سهم بنگاه‌داری بانک‌ها و همچنین افزایش میزان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی از عمده دلایل نقش بانک‌ها در بروز پدیده رکودتورمی در اقتصاد کشور می‌باشند.

واژگان کلیدی: اقتصاد ایران، بانک‌محوری، تورم‌رکودی، بازارهای مالی، تورم، رکود.
طبقه‌بندی JEL: F63، E61، E52.

۱- دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مفید nazarpur@mofidu.ac.ir
۲-کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه مفید momeni6768@yahoo.com
۳-کارشناس ارشد علوم اقتصادی‌دانشگاه مفیدوکارشناس‌معاونت اعتبارات بانک‌انصار mhaghighi1367@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

مقدمه

یکی از موضوعاتی که طی دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای مورد توجه اقتصاددانان قرارگرفته است، موضوع توسعه مالی و نقش آن در رشد اقتصادی است. مطالعات نشان می‌دهند که نهادها و بازارهای مالی کارآمد از چند مسیر می‌توانند موجب افزایش رشد اقتصادی شوند. این مسیرها عبارتند از: تسهیل مبادله کالاها و خدمات از طریق ارائه خدمات پرداخت، تجهیز و تجمیع پس‌اندازها از شمار بسیاری از سپرده‌گذاران، کسب و تحلیل اطلاعات در مورد شرکت‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری ممکن و تخصیص پس‌اندازها به مصارف دارای بالاترین بهره‌وری، کنترل و نظارت برسرمایه‌گذاری‌ها و اجرای حاکمیت شرکتی و توزیع و کاهش ریسک نقدینگی و بین دوره‌ای(کمیجانی، ۱۳۸۷: ۸۳). همچنین نهادهای مالی نقش تعیین‌کننده‌ای در توضیح تفاوت بهره‌وری سرمایه و در نتیجه تفاوت رشد کشورهای مختلف دارد.

کشورهایی که از سیستم مالی کارآمدی برخوردار هستند، از رشد سریع‌تری برخوردار می‌باشند و به لحاظ تأمین مالی، با موانع کمتری مواجه می‌باشند. بنابراین، وجود نظام مالی کارآمد، دسترسی بنگاه‌ها به منابع تأمین مالی را افزایش می‌دهد. از این‌رو، تعمیق و گستردگی بازارهای مالی، نقش به سزایی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌تواند ایفاء کند. به گونه‌ای که مطالعات بسیاری، این موضوع را اثبات می‌کنند، از جمله آن‌ها، مطالعه لوین و زروس[1] (۱۹۹۸) است که در مقاله خود تحت عنوان «بازار سهام، بانک‌ها و رشد اقتصادی»، بر مکمل بودن نقش بانکداری و بازار سرمایه برای رشد اقتصادی تاکید می‌کنند. در کشور ایران که دارای نظام مالی «بانک‌محور» است، عمده تأمین مالی در این اقتصاد، توسط نظام بانکی صورت می‌گیرد. از این رو با توجه به مهم بودن نقش بانک‌ها در اقتصاد کشور، بررسی جایگاه و نقش آن‌ها در تحقق پدیده رکودتورمی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

مقاله حاضر، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی معتبر، تلاش می‌کند به بررسی این فرضیه بپردازد که «در اقتصاد بانک پایه ایران، بانک‌ها نقش مهمی در بروز پدیده رکودتورمی در اقتصاد کشور داشته‌اند».

مقاله ضمن بررسی ادبیات و پیشینه بحث، به بررسی مبانی نظری ساختارهای مالی پرداخته و در پایان به بررسی نقش ساختار مالی بانک‌محور در بروز شرایط رکودتورمی کشور می‌پردازد و این نتیجه را به دنبال دارد که با توجه به بانک‌پایه بودن نظام مالی کشور، عدم اعطای تسهیلات هدفمند از سوی بانک‌ها و حرکت به سمت عقود مشارکتی، افزایش مطالبات غیرجاری و بنگاه‌داری بانک‌ها، عدم بازگشت بدهی‌های دولت، پیمانکاران و بنگاه‌های دولتی به بانک‌ها و همچنین افزایش

1-Ross Levine & Sara Zervos.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

میزان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی از عمده دلایل نقش بانک‌ها در بروز پدیده رکودتورمی در اقتصاد کشور می‌باشند.

ادبیات و پیشینه بحث

مطالعات تجربی بسیاری در زمینه دلایل بروز پدیده رکودتورمی در داخل و خارج از کشور انجام شده است، که در ذیل برخی از مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

تقوی و غروی نخجوان (۱۳۸۲) در مقاله خود تحت عنوان «تورم رکودی در اقتصاد ایران»، به بررسی دلایل بروز رکودتورمی در اقتصاد ایران و شناسایی شیوه‌های تأثیرگذاری سیاست‌های مالی بر آن، با محاسبه ضرایب همبستگی بین متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته است. در این پژوهش کاهش درآمد نفتی و عواملی که در اقتصاد ایران موجب تورم فشار هزینه می‌شود، از دلایل بروز تورم رکودی به حساب می‌آیند. در چنین شرایطی سیاست‌های مهار تورم و یا رکود به تنهایی مؤثر نیست، بلکه مجموع سیاست‌هایی مورد نیاز است که بیش از هر چیز تولید را افزایش دهد و از تأثیرپذیری عوامل بروز تورم بکاهد.

شاکری (۱۳۹۲) در گزارش علمی خود تحت عنوان «تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ایران، وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی»، با تحلیل وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و اثرپذیری احتمالی آن‌ها از تحریم، عامل اصلی رکودتورمی در اقتصاد ایران را تحریم‌های بین المللی ذکر می‌کند. در این پژوهش، تداوم تورم دو رقمی طی چهار دهه گذشته همراه با رشد نسبتاً محدود تولید ناخالص ملی حقیقی دلیل رکودتورمی در اقتصاد ایران عنوان شده است. وی توصیه می‌کند که در این شرایط اولاً نرخ ارز به هیچ وجه به عنوان ابزار تراز کننده بودجه دولت مورد استفاده قرار نگیرد. ثانیاً نظارت بر عملکرد مؤسسات مالی و بانک‌های خصوصی افزایش یابد. ثالثاً تمهیداتی اندیشیده شود که ارز تنها برای معاملات حقیقی مورد استفاده قرار گیرد. رابعاً در صورت تشدید تحریم‌ها، منابع ارزی بین نیازهای تولید، کالاهای اساسی و دارو و با اولویت بندی تخصیص یابد. همچنین، کسری بودجه از طریق انضباط بودجه، شفاف سازی و اصلاح ساختار هزینه‌ها و استفاده از منابع بانکی چاره‌جویی شود.

خانی قریه‌گپی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله مشترک خود با عنوان «شناسایی علل رکودتورمی در ایران: روش تصحیح خطای خودبرازش کننده آستانه‌ای»، به تحلیل رکودتورمی در اقتصاد ایران با استفاده از روش تصحیح خطای خودبرازش کننده آستانه‌ای و استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۰ پرداخته‌اند. متغیر وابسته در این پژوهش لگاریتم شاخص فلاکت و متغیرهای مستقل به عنوان دلایل بروز رکودتورمی، شامل حجم نقدینگی، کسری بودجه دولت، درآمدهای

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

نفت و ترازپرداخت‌ها بوده است. نتایج گویای آن است که افزایش نرخ رشد متغیرهای مستقل از یک سطح آستانه‌ای، اثرات یکسانی بر رکودتورمی در اقتصاد ایران خواهد داشت.

باستانی فر و میرزایی (۱۳۹۳) در مقاله مشترک خود با عنوان «تحلیل ریشه‌های رکودتورمی در اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای برون‌رفت»، به بررسی بروز رکودتورمی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ بر پایه روش Denhann & Summer (2004) پرداخته‌اند. سپس بر پایه الگوی Berthold & Grundler (2012)، به برآورد عوامل مؤثر در بروز رکودتورمی در قالب رگرسیون داده‌های شمارشی، تخمین حداکثر برآوردکننده پوآسن، دوجمله‌ای نرمال، دوجمله‌ای منفی، تخمین‌های سانسور[1] و حداقل مربعات معمولی پرداخته‌اند. نتایج این مقاله حاکی از این است که اولاً با توجه به تعریف نویسندگان از رکودتورمی، اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳ و ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ دچار رکودتورمی بوده است. ثانیاً رکودتورمی صرفاً پدیده‌ای پولی نیست و به بهره‌وری پایین نیروی کار هم ارتباط دارد. ثالثاً اصلی‌ترین دلیل رکودتورمی مرتبط با مقام پولی حجم نقدینگی نیست، بلکه سیاست‌های مصلحت‌گرایانه پولی از طریق بروز پدیده ناسازگاری زمانی به دوره‌های طولانی رکودتورمی منجر شده است.

رحمتی و مدنی زاده (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «رکودتورمی و راهکارهای خروج»، به بررسی راهکارهای برون‌رفت از رکودتورمی ایجاد شده در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲ پرداخته‌اند و مؤثرترین راه جهت مقابله با بحران رکودتورمی در کشوری مثل ایران را تغییر پارادایم پولی و مالی به یک نظام مالی و پولی مقاوم در برابر تورم بیان کرده‌اند که این تغییر پارادایم را مستلزم اجماع سیاستگزاران و استفاده از یک بدنه سیاستگزاری و کارشناسی بسیار قوی است.

حقیقی و مؤمنی نژاد(۱۳۹۴) در مقاله مشترک خود با عنوان «تبیین نقش نظام بانکداری اسلامی در خروج از شرایط رکود تورمی (با محوریت تحقق اصول اقتصاد مقاومتی)»، ضمن تحلیل و تبیین نقش نظام بانکی در اقتصاد مقاومتی، عمده اقداماتی کهنظام بانکی می‌تواند در راستای خروج از شرایط رکودتورمی و در جهت تحقق اصول اقتصاد مقاومتی انجام دهد را بیان کردند.

نظر به مطالعات انجام شده در این باره، دو خلاء اساسی محسوس است؛ اولاً، مطالعات صورت گرفتهٔ پیشین فقط به بررسی دلایل بروز پدیده رکودتورمی و ریشه‌های آن پرداخته‌اند و هیچ‌یک به بررسی مستقیم نقش ساختار مالی بانک‌محور در بروز شرایط رکودتورمی به صورت مفصل نپرداخته‌اند؛ ثانیاً، تنها بررسی ریشه‌های بروز رکودتورمی و راهکارهای برون‌رفت در این مطالعات

۱- مدل‌های توبیت که گاهاً رگرسیون حساس شده و یا سانسور شده نامیده می‌شوند، به منظور بررسی روابط خطی در شرایطی که در مورد متغیر وابسته یک حد بحرانی در سمت راست یا چپ مشاهده شود، استفاده می‌شود. از این رو به این نوع خاص از توابع پیش بینی «رگرسیون سانسور شده» نیز اطلاق می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

صورت گرفته است. بنابراین، مطالعه‌ای درباره چگونگی نقش ساختار مالی بانک محور در ایجاد شرایط رکودتورم صورت نگرفته است. مقالهٔ حاضر، در پی تبیین چگونگی عملکرد ساختار مالی بانک محور و نقش آن در بروز پدیده رکودتورمی دراقتصاد کشور برآمده است.

مبانی نظری تحقیق

منحنی فیلیپس در شکل اولیه آن، منحنی است که رابطه‌ای معکوس بین نرخ رشد دستمزدها و نرخ بیکاری را نشان می‌دهد. این منحنی در سال ۱۹۵۸ توسط اقتصاددان معروف بریتانیایی «فیلیپس» معرفی شد که بعدها به دنبال پیشبردهای اقتصادی، سعی شد که وجود رابطه معکوس بین نرخ رشد دستمزدها و نرخ بیکاری در این منحنی، به صورت رابطه معکوس بین نرخ تورم و نرخ بیکاری نیز مطرح شود. دلیل این موضوع نیز آن است که در بیشتر کشورهای صنعتی، بخش عمده‌ای از هزینه‌های تولید را دستمزدها تشکیل می‌دهد. به گونه‌ای که بدنبال افزایش دستمزدها، هزینه‌های تولید افزایش پیدا می‌کرد و تولیدکنندگان را ناچار به افزایش قیمت کالا و خدمات می‌نمود. بدین ترتیب، رابطه‌ای عکس بین نرخ بیکاری و نرخ تورم ایجاد می‌شود و بالعکس (رحمانی، ۱۳۸۷: ۹۸). این نظریه، بر پایه نظریه تورم فشار هزینه (فشار دستمزد) می‌باشد که به عنوان یکی از نظریه‌های تورم کینزی مطرح است. از این رو، منحنی فیلیپس بیان کننده نوعی تبادل و جانشینی بین نرخ تورم و نرخ بیکاری است (همان: ۱۰۱). در نمودار زیر منحنی فیلیپس برحسب نرخ تورم بیان می‌شود:

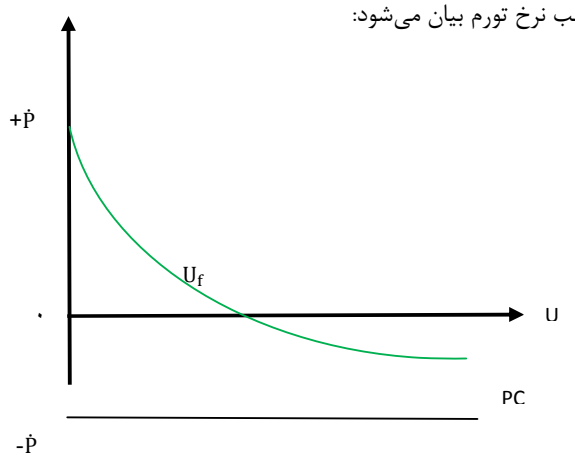

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

نمودار زیر نیز، چارچوب یک اقتصاد در حالت تعادل را نشان می‌دهد که به دنبال فشار افزایش دستمزدها، درگیر در «مارپیچ دستمزد- قیمت» شده و دچار تورم‌رکودی می‌گردد. در این نمودار، روی محور افقی، میزان تولید ناخالص داخلی (GDP) و روی محور عمودی، میزان سطح عمومی قیمت‌ها (P) نشان داده شده است.

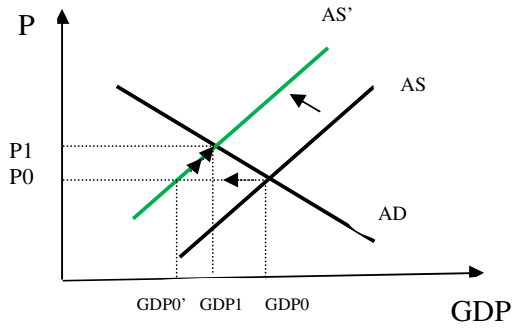

تعادل در حالت اولیه این نمودار، در میزان GDP_0 و میزان P_0 می‌باشد که با افزایش دستمزدها و در نتیجه افزایش هزینه‌های تولید، منحنی عرضه کل به سمت بالا و چپ جابجا شده و در نتیجه قیمت‌ها شروع به افزایش می‌نماید. از این رو، علاوه بر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (از سطح P_0 به P_1)، از سطح تولید و اشتغال نیز کاسته شده است(از GDP_0 به GDP_1) و بر بیکاری افزوده می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه این نوع تورم همراه با کاهش تولید و اشتغال و افزایش بیکاری است، به آن «تورم‌رکودی» نیز می‌گویند که تورم و رکود با هم همراه هستند.

از دیدگاه نئوکینزین‌ها، نظریه عرضه مبانی مناسبی جهت توجیه تورم‌رکودی است. بر پایه نظریه عرضه، افزایش در قیمت سرمایه‌های طبیعی (نفت، گاز و...) از طریق تکانه با منشاء خارجی و همچنین سیاست‌های اصلاحی مالی دولت (تغییر در یارانه‌ها و مالیات)، به جابجایی منحنی عرضه و بروز تورم‌رکودی از سمت عرضه اقتصاد منجر می‌شوند.

نئوکلاسیک‌ها با رویکردی انتقادی به دیدگاه نئوکینزین‌ها، بروز تورم‌رکودی را ناشی از سمت تقاضا در اقتصاد می‌دانند و از دو دیدگاه «عدم توانایی دولت در تنظیم قوانین» و «کاهش بهره‌وری نیروی کار» به تورم‌رکودی نگاه می‌کنند. اما رویکرد مکتب اتریشی در برخورد با اقتصاد نئوکلاسیکی درصدد توجیه زمان و پول در اقتصاد است و با بیان نقش غیرقابل انکار رکود در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

اقتصاد، عامل اصلی بروز تورم‌رکودی را در افزایش خلق پول درونی یا اعتبار با رشدی بیشتر از رشد تولید کالاها دانسته و بر کنترل اختلالات پولی تأکید دارد(خلیلی عراقی و سوری،۱۳۸۳ ۳۳۰-۳۴۰).

در مکتب پول گرایان، فریدمن به عنوان پیشگام این مکتب، با مطرح کردن نظریه مقدار بهینه پول و ارائه قاعده‌مندی سیاست پولی، اعتقاد دارد که استمرار تورم به بروز انتظارات تورمی منجر می‌شود. یعنی در سمت عرضه، تولیدکنندگان باید به توجه به افزایش تورم آتی، انتظارات ناشی از افزایش دستمزد کارگران که به صورت منطقی شکل می‌گیرد، را در نظر بگیرند و این مسئله به جابجایی منحنی عرضه به چپ منجر می‌شود. این موضوع از منظر کینزی‌های جدید نیز مورد قبول واقع شده است، بنابراین وجود تورم مستمر، عامل بروز تورم‌رکودی خواهد بود (باستانی فر و میرزایی، ۱۳۹۳: ۳۶۴-۳۶۵).

در این مقاله با توجه به اینکه نظام مالی کشور دارای یک ساختار مالی بانک‌محور می‌باشد و عمده تأمین مالی انجام شده از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد، که عملاً منجر به افزایش هزینه‌های تأمین مالی و به تبع، افزایش هزینه‌های تولید شده، از این رو در این مقاله عمده بحث در چارچوب مارپیچ هزینه قیمت، به بررسی نقش این ساختار در اقتصاد کشور در بروز پدیده رکودتورمی می‌پردازیم.

نقش بانک محوری در ایجادپدیده تورم‌رکودی

پدیده رکودتورمی[1] (یا تورم‌رکودی) به بروز هم‌زمان دو معضل اقتصادی «نرخ تورم بالا» و «نرخ پایین رشد اقتصادی(نرخ بیکاری بالا)» گفته می‌شود که با استفاده از شاخص فلاکت (حاصل‌جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری) بدست می‌آید و عوارض و پیامدهای بسیار نامطلوبی از جنبه‌های مختلف بر جامعه تحمیل می‌کند. ریشه‌های رکودتورمی در ویژگی‌های ساختاری هر اقتصاد اعم از؛ میزان کارآیی سیاست‌های پولی و مالی، ساختار بودجه‌ای دولت، میزان کشش‌پذیری سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، چگونگی جانشینی جبری، الگوهای مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و میزان نقش دولت در اقتصاد نهفته است(مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶). بررسی شرایط اقتصادی کشور ایران نیز حاکی از این است که به طور بالقوه آمادگی پذیرش این پدیده در اقتصاد کشورمان وجود دارد. به گونه‌ای که کسری‌های مداوم بودجه، شوک‌های ارزی حاصل از درآمد نفت (اقتصاد نفتی و بیماری هلندی)، بی‌انضباطی مالی دولت و سیاست‌های پولی نادرست (عمدتاً انبساطی) و... از مهم‌ترین عوامل بروز این پدیده در اقتصاد ایران هستند که به صورت ساختاری، در

1- Stagflation

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

اقتصاد کشور نهادینه شده هستند[۱]. جدول زیر میزان شاخص فلاکت را در کشور ایران بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ نشان می‌کند:

میزان شاخص فلاکت اول و دوم دراقتصاد کشور ایران(ارقام به درصد)

سال	نرخ تورم	نرخ بیکاری	شاخص فلاکت اول*	نرخ رشد اقتصادی (با نفت)	شاخص فلاکت دوم**
۱۳۹۰	۲۱/۵	۱۲/۳	۳۳/۸	۴	۲۹/۸
۱۳۹۱	۳۰/۵	۱۲/۲	۴۲/۷	-۵/۸	۴۸/۵
۱۳۹۲	۳۴/۷	۱۰/۴	۴۵/۱	-۱/۹	۴۷
۱۳۹۳	۱۵/۶	۱۰/۶	۲۶/۲	۳	۲۳/۲

منبع ستون‌های ۴ و ۶: محاسبات تحقیق

نرخ تورم+ نرخ بیکاری= شاخص فلاکت اول *

نرخ رشد اقتصادی-(نرخ تورم+ نرخ بیکاری)= شاخص فلاکت دوم **

مروری بر نظام بانکی کشور نیز نشان می‌دهد که، از ابتدای شکل‌گیری بازارهای مالی، یعنی از زمان شروع اولین بانک خارجی در کشور در سال ۱۲۶۶ تاکنون، نظام مالی کشور ساختاری بانک محور داشته و بازار سرمایه یا وجود نداشته و یا از وجودی نحیف برخوردار بوده و در سایهٔ نظام بانکی به سر برده است. از سوی دیگر، نقش برجستهٔ نظام بانکی کشور در تأمین منابع مالی فعالیت‌های اقتصادی، می‌تواند یکی از دلایل عمدهٔ شکل نگرفتن بازار سرمایه کشور باشد. زیرا تأمین مالی اکثر فعالیت‌های اقتصادی بخش‌های دولتی و خصوصی تا حد زیادی از طریق منابع بانکی انجام می‌گیرد و عمدهٔ سرمایه‌گذاری‌ها را اعتبارات بانکی تشکیل می‌دهد.جدول زیر وضعیت فعلی میزان عمق بازار و کارآیی و فعالیت بازارهای مالی[۲] را در کشور طی سال‌های ۱۳۹۰- ۱۳۹۲ بیان می‌کند:

۱- اقتصاد ایران از تابستان ۱۳۹۰ تا بهار ۱۳۹۲، تولید به میزان ۱۴ درصد، مصرف به میزان ۱۳ درصد و سرمایه‌گذاری به میزان ۳۶ درصد کاهش یافته است و در عین حال، سطح عمومی قیمت‌ها به میزان ۷۰ درصد و نرخ ارز به میزان ۲۰۰ درصد افزایش داشته‌اند، با رکودتورمی عمیقی مواجه بوده است (رحمتی و مدنی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱).

۲- برای مقایسه و شناسایی بازارهای بانک‌محور یا بازارمحور، از سه شاخص استفاده می‌نمایند:

الف) مقایسهٔ شاخص اندازهٔ نظام بانکی و بازار سرمایه: این شاخص در جهت بیان بزرگی یا کوچکی هریک از بازارها مورد استفاده قرار می‌گیرد، که در نظام بانکی از «نسبت بدهی‌های نقدی به GDP» و در بازار سرمایه از «نسبت ارزش سهام موجود در بازار سرمایه به GDP» بدست می‌آید. این شاخص نشان‌دهندهٔ عمق مالی بازار مربوطه می‌باشد، که هرچه کوچک‌تر باشد، یعنی آن بازار از عمق مالی کافی برخوردار نیست.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

میزان عمق، کارآیی و فعالیت بازارهای مالی در ایران

	شاخص اندازه و عمق بازار		شاخص فعالیت بازار		شاخص کارآیی بازار	
سال	نظام بانکی*	بازار سرمایه	نظام بانکی	بازار سرمایه	نظام بانکی	بازار سرمایه**
۱۳۹۰	۰.۵۶	۰.۲۱	۰.۹	۰.۱۹	۱.۵	۶۲
۱۳۹۱	۰.۶۵	۰.۲۴	۰.۸۷	۰.۱۷	- ۰.۷	۶۵.۳
۱۳۹۲	۰.۶۴	۰.۴۱	۰.۵۴	۰.۱۰	-	۹۰.۲
تحلیل	بزرگ‌تر بودن اندازه و عمق نظام بانکی		فعال‌تر بودن نظام بانکی		کارآتر بودن بازار سرمایه	

* از نسبت تقسیم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است.

** از نسبت تقسیم تعداد دفعات مبادله اوراق در بازار سرمایه به تعداد کل سهام موجود محاسبه شده است.

منبع: محاسبات تحقیق

همانگونه که از جدول فوق قابل مشاهده است، طی سال‌های ۹۰ تا ۹۲ نظام بانکی به دلیل بزرگ‌تر بودن و عمیق بودن نظام بانکی، علیرغم کارآیی پایین‌تر نسبت به بازار سرمایه، نقش فعال‌تری را نسبت به این بازار داشته است. همچنین این روال طی سال‌های ۹۲ به بعد نیز براقتصاد کشور حاکم می‌باشد. بنابراین با توجه به بانک‌پایه بودن نظام مالی کشور، در ادامه به بررسی عمده دلایل نقش بانک‌ها در بروز پدیده رکودتورمی در اقتصاد کشور می‌پردازیم:

ب) مقایسهٔ شاخص فعالیت نظام بانکی و بازار سرمایه: این شاخص در جهت بیان بزرگی یا کوچکی حجم فعالیت هریک از بازارها مورد استفاده قرار می‌گیرد، که در نظام بانکی از «نسبت مطالبات بانک‌ها از بخش خصوصی به GDP» و در بازار سرمایه، از «نسبت ارزش کل سهام مبادله شده در بازار سرمایه به GDP» بدست می‌آید. این شاخص نشان‌دهندهٔ فعال‌تر بودن بازار مربوطه می‌باشد، که هرچه بزرگ‌تر باشد، یعنی آن بازار، فعال‌تر می‌باشد.

ج) مقایسهٔ شاخص کارآیی نظام بانکی و بازار سرمایه: این شاخص در جهت بیان کارآ بودن یا نبودن هریک از بازارها مورد استفاده قرار می‌گیرد، که در نظام بانکی از «حاشیهٔ سود خالص بخش بانکی» و در بازار سرمایه از «نسبت سهام مبادله شده به کل سهام موجود در بازار سرمایه» بدست می‌آید. این شاخص در بخش بانکی، هرچه کوچک‌تر باشد، نظام بانکی کارآتر می‌باشد. در حالی‌که در بازار سرمایه، هرچه بزرگ‌تر باشد، بازار سرمایه کارآتر می‌باشد(نظرپور و حقیقی، ۱۳۹۲: ۵۸ - ۵۹).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۱. عدم اعطای تسهیلات هدفمند و حرکت به سمت عقود مشارکتی

طی سال‌های اخیر، با توجه به اینکه عمدتاً نرخ سود تسهیلات مبادله‌ای به گونه‌ای کمتر از حداقل نرخ سود انتظاری عقود مشارکتی توسط بانک مرکزی تعیین شده است، لذا این امر منجر به سوق‌دهی انگیزه بانک‌ها به سمت اعطای تسهیلات در قالب عقود مشارکتی شده و تسهیلات ماهیتاً مبادله‌ای را نیز در قالب عقود مشارکتی اعطا کنند؛ به گونه‌ای که نسبت عقود مشارکتی از ۱۶.۹ درصد به ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده است[۱]. از سوی دیگر اکثریت قریب به اتفاق انتقاداتی که بر عملکرد قانون بانکداری بدون‌ربای کشور وارد می‌شود، به ضوابط و مقررات به‌ویژه نحوه اجرای عقود مشارکتی و نحوه شناسایی سود واقعی مربوط می‌شود. به‌طوری که ادبیات موضوع گسترده‌ای در خصوص عملکرد ضعیف نظام بانکی در اجرای دقیق عقود مشارکتی وجود دارد که از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و مشکلات و موانع اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور وهمچنین مهمترین چالش‌های صوری شدن عملیات بانکی بدون‌ربا به صورت زیر استخراج شده است(حاجیان، ۱۳۹۰):

۱. شفاف نبودن آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در زمینه اجرای عقود مشارکتی؛
۲. شفاف نبودن رابطه بانک و مشتری در مراحل مختلف اجرای عقود؛
۳. فقدان راه‌حل‌های مناسب برای تعیین نسبت سود سهم طرفین؛
۴. مهیا نبودن شرایط لازم برای مشارکت در زیان از طرف بانک‌ها؛
۵. فقدان سازوکارهای لازم برای دستیابی به اطلاعات مالی صحیح؛
۶. ریسک حاکم بر مخاطرات اخلاقی شریک؛
۷. تخصص پایین بانک‌ها در حوزه‌های مختلف برای ورود به مشارکت واقعی؛
۸. کیفیت اجرای عقود مشارکتی (تبدیل عقد مشارکتی به عقد با بازدهی ثابت)؛
۹. فقدان راهکار اجرایی برای الزام شریک به پرداخت سهم‌الشرکه؛
۱۰. مدیریت کامل موضوع مشارکت توسط شریک علیرغم سهم ناچیز آن در طرح؛
۱۱. احتمال بالای انحراف تسهیلات پرداختی عقود مشارکتی برای هزینه در خارج از طرح؛
۱۲. ثابت بودن سهم بانک علیرغم وجود نرخ‌های تورم بالا در دوره مشارکت و افزایش سهم واقعی شریک.

۱- ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که از تأمین مالی ۳۴۰۰ هزار میلیارد ریالی نظام بانکی در سال ۱۳۹۳ که به اسم تجهیز بنگاه‌های اقتصادی اعلام شده است، نزدیک به ۷۰ درصد آن به استمهال تسهیلات قبلی اختصاص داشته است؛ یعنی عملاً تأمین مالی جدیدی اتفاق نیفتاده و منابع مالی جدیدی به بنگاه‌های اقتصادی تزریق نشده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

بنابراین، با توجه به عمده مشکلات مزبور، می‌توان این‌گونه بیان نمود که منابع بانک‌ها در جهت کسب سود بیشتر، علیرغم موضوع و محل مصرف تسهیلات، در قالب مشارکت اعطا شده و این امر منجر به افزایش هزینه تمام شده پول و تأمین مالی بنگاه‌ها و اشخاص شده و به تبع، منجر به افزایش هزینه تولید شده و این امر، در نهایت منجر به کاهش میزان سوددهی بنگاه‌ها شده، از این رو با توجه به بالا بودن هزینه تولید[1] و پایین بودن میزان سوددهی بنگاه‌ها و عدم رقابت آن‌ها در بازار با رقیبان صنعت خود به علت بالا بودن قیمت محصولات تولیدی بنگاه، تعدیل نیرو و تعطیلی بنگاه‌ها(بیکاری بالا) را به دنبال خواهد داشت، که این امر میزان نرخ بیکاری را در جامعه افزایش می‌دهد و در صورتی که کلیه بنگاه‌های صنعت، محصولات خود را با قیمت بالایی در بازار عرضه نمایند، به صورت زنجیره‌ای منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شوند (تورم بالا ناشی از فشار هزینه). متأسفانه این امر در اقتصاد ایران و علی الخصوص در صنایع نساجی کشور به دلیل افزایش هزینه تأمین مالی و همچنین واردات بی‌رویه محصولات مشابه خارجی، حاکم شده است.

۲. افزایش مطالبات غیرجاری و بنگاه داری بانک‌ها

در حال حاضر یکی از معضلات اصلی اقتصاد کلان کشور، پدیده مطالبات معوق و مشکوک الوصول بانک‌ها است که مشکلات و معضلات فراوانی را برای بانک‌ها و اقتصاد کشور به وجود آورده است و قفل شدن منابع بانک‌ها را به دنبال داشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۳ نسبت مطالبات غیرجاری بانک‌ها ۱۵.۴ درصد بوده است که در بانک‌های دولتی، ۱۳.۵ درصد، در بانک‌های خصوصی شده ۱۲.۶ درصد و در بانک‌های خصوصی ۲۲ درصد بوده است، این در حالی است که این نسبت در کشورهای اسلامی ۳.۷ درصد است(www.cbi.ir). لذا این امر از قدرت تسهیلات‌دهی بانک‌ها می‌کاهد و به تبع آن، تولیدکنندگان موجود جهت تأمین سرمایه در گردش خود، با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. بنابراین مطالبات معوق و مشکوک الوصول بالای بانک‌ها به عنوان یکی از دلایل اصلی پدید آمدن پدیده رکودتورمی می‌باشد که این خود ناشی از دلایل متعددی به شرح ذیل می‌باشد:

۱- در اقتصاد سنتی کاهش نرخ بهره بانکی باعث افزایش میل به سرمایه‌گذاری و به تبع آن ایجاد فرصت‌های شغلی جدید می‌شود و همچنین باعث می‌شود هزینهٔ تولید کاهش یافته و تولید ملی افزایش یابد و به تبع آن باعث رونق صادرات کشور شود. همچنین کاهش نرخ بهره با تأثیرگذاری بر هزینه تولید، نرخ انواع کالا را کاهش خواهد داد و باعث کاهش تورم نیز خواهد شد ولی افزایش نرخ بهره بانکی، باعث افزایش هزینه تأمین مالی و در نتیجه افزایش هزینه تولید می‌شود. در اقتصاد اسلامی نیز نرخ‌های سود در عقود ماهیتاً مبادله‌ای می‌توانند کارکردی مشابه بهره در اقتصاد سنتی داشته باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

الف) عدم پرداخت بدهی‌های دولت، پیمانکاران و بنگاه‌های دولتی به بانک‌ها: در طی سال‌های اخیر با توجه به کاهش درآمدهای نفتی دولت و نوسانات موجود در بازار نفت، میزان تسهیلات دریافتی توسط دولت و بنگاه‌های دولتی و همچنین پیمانکاران دولتی از بانک‌ها افزایش یافته است و به تبع آن، میزان تعهدات آنان در برابر بانک‌ها روزافزونی داشته است. مسأله تسهیلات تکلیفی نیز شاهد دیگری بر مدعا می‌باشد. به گونه‌ای که بهره‌گیری گسترده دولت و شرکت‌های دولتی از تسهیلات تکلیفی نظام بانکی، محدودیت اعتبارات را برای بخش خصوصی ایجاد می‌کند. بیشترین میزان بدهی دولت به بانک‌ها، به ترتیب به بانک‌های تخصصی مبلغ ۳۴۳۳۹۵.۷ میلیارد ریال، به بانک‌های تجاری مبلغ ۲۸۵۵۲۴.۹ میلیارد ریال و مؤسسات غیردولتی و غیربانکی مبلغ ۴۷۲۵۴.۲ میلیارد ریال می‌باشد(www.cbi.ir). به گونه‌ای که میزان تعهدات دولت و بنگاه‌های دولتی و پیمانکاران دولتی به چند بانک بزرگ کشور طی سال‌های اخیر به شرح زیر می‌باشد:

میزان مطالبات چند بانک از دولت (تعهدات دولت به بانک‌ها)

نام بانک	ملت	صادرات	ملی*	تجارت	جمع کل(ارقام جدول به میلیارد تومان)
مطالبات از دولت	6057	9/950	16/240	13/118	45/365
تسهیلات پرداخت شده	26/324	711	2/162	2/197	31/394
جمع	32/381	10/661	18/402	15/315	**76/759**

* نظر به اینکه آخرین اطلاعات ترازنامه‌ای افشا شده بانک ملی مربوط به سال ۱۳۹۰ است، بنابراین ارقام سرفصل مطالبات از دولت برای این بانک براساس یک سناریوی رشد ثابت ۲۰درصدی برآورد شده و در خصوص تسهیلات پرداختی نیز ارقام سال ۱۳۹۰ در نظر گرفته شده است(براساس آمارهای بانک مرکزی تا پایان آبان ماه ۱۳۹۴).

همچنین از سوی دیگر، به دلیل عدم نظارت صحیح و کافی بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، بانک‌ها اقدام به تبدیل تسهیلات پرداختی خود به تسهیلات جدید و با سود بالاتر می‌نمایند. لذا نه تنها این مطالبات غیرجاری از ترازنامه بانک‌ها حذف نشده است، بلکه حتی به میزان اصل و سود تسهیلات قبلی، با عنوان تسهیلات جدید و با نرخ سود بالاتر، تجدید می‌شوند. از این رو، در چنین شرایطی، این امکان وجود دارد که تسهیلات جدید نیزمعوق و مشکوک الوصول شوند. این شرایط، بانک‌ها را به سمت افزایش نرخ سود سپرده و تجهیز منابع بیشتر هدایت می‌کند.

از سوی دیگر، بانک‌ها به عنوان بزرگ‌ترین واسطه‌های مالی، نقش مهمی را در تأمین سرمایه مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی دارند. چالش‌های بانک‌ها در عرصه مدیریت نقدینگی، مانع بزرگی برای آن‌ها در عرصه نقش آفرینی در تأمین منابع مالی بنگاه‌هاست. از این رو بانک‌ها برای حل این

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

مشکل، بخشی از منابع مالی مازاد خود را به خرید ابزارهای مالی (مثل صکوک) با درجه نقدشوندگی بالا اختصاص می‌دهند و در مواقعی که نیاز به پول نقد داشته باشند، با فروش این ابزارها در بازارهای مالی به دیگران یا به ناشر اوراق، علاوه بر حل مشکل نقدینگی خود، با خرید و فروش این اوراق، در اجرای سیاست‌های مالی کمک شایانی به دولت می‌کنند(نظرپور و حقیقی، ۱۳۹۲: ۳۵ – ۳۶). البته لازم به ذکر است طی گزارش اعلام شده از سوی بانک مرکزی تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۴، بدهی دولت به بانک‌ها از محل بازخرید اوراق مشارکت به ۱۶ هزار و ۳۴۰ میلیارد تومان رسیده است(www.cbi.ir).

میزان بدهی وزارتخانه‌ها و شرکت‌های تابعه به سیستم بانکی بابت انتشار اوراق مشارکت

ناشر	منابع درگیر بانک‌ها(در پایان مهرماه ۱۳۹۳) (هزار میلیارد ریال)	میزان سررسیدی اوراق در طول سال ۱۳۹۳ (هزار میلیارد ریال)
وزارت نیرو	۷۰.۳	۲۰.۵
وزارت راه و شهرسازی	۱۱.۱	۱.۰
وزارت نفت	۴۶.۶	۱۸.۸
وزارت کشور (شهرداری-ها)	۱۴.۷	۱۰.۸
دولت(وزارت امور اقتصادی و دارایی)	۲۰.۷	-
جمع کل	**۱۶۳.۴**	**۵۱.۱**

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همانگونه که از جدول فوق قابل مشاهده است، منابع درگیر بانک‌ها بابت بازخرید اوراق مشارکت وزارت نیرو ۷ هزار و ۳۰ میلیارد تومان، وزارت راه و شهرسازی هزار و ۱۱۰ میلیارد تومان، وزارت نفت ۴ هزار و ۶۶۰ میلیارد تومان، وزارت کشور (شهرداری‌ها) هزار و ۴۷۰ میلیارد تومان و دولت (وزارت امور اقتصادی و دارایی) ۲ هزار و ۷۰ میلیارد تومان است.همچنین اوراقی که در طول سال جاری سررسید شده‌اند، برای وزارت نیرو ۲ هزار و ۵۰ میلیارد تومان، وزارت راه ۱۰۰ میلیارد تومان، وزارت نفت هزار و ۸۸۰ میلیارد تومان و وزارت کشور هزار و ۸۰ میلیارد تومان بالغ شده است. این امر باعث قفل شدن منابع بانک‌ها در این زمینه شده است و مسکوت ماندن وجوه بانک‌ها، زمینه را برای پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های مختلف تولیدی و... از بین می‌برد و با توجه به اینکه عمده بنگاه‌های اقتصادی تولیدی، سرمایه در گردش خود را از محل منابع تسهیلاتی بانک‌ها تأمین می‌کنند، لذا نبود منابع تسهیلاتی در اختیار بانک‌ها، زمینه را برای رکود شرکت‌های تولیدی و... به دلیل نداشتن سرمایه در گردش لازم، به دنبال دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

ب) افزایش سهم بنگاه‌داری بانک‌ها: طی سال‌های اخیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران براساس تصمیمات مجمع عمومی بانک‌ها (صورتجلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۲)، انعقاد قراردادهای مشارکت حقوقی در نظام بانکی را ممنوع نموده و موضوع را منوط به اخذ مجوز از آن بانک کرده است(نامه شماره مب/۱۸۲ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۶)[۱] و عملکرد بانک‌ها، بیانگر عدم صدور مجوز برای بکارگیری مشارکت حقوقی می‌باشد. نتایج بررسی‌های انجام شده چنین عملکردی در رابطه با عقود مشارکتی توسط بانک‌ها نشان می‌دهد که بانک‌ها با اعطای تسهیلات مشارکتی به بنگاه‌های مختلف اقتصادی و در رهن بردن املاک و سهام این بنگاه‌ها، در زمان سررسید تسهیلات پرداختی، با توجه

۱- لازم به ذکر است که براساس ۱۰۸۱ صورت‌جلسهٔ شورای پول و اعتبار، مورخ ۱۳۸۶/۱/۱۸، آیین‌نامهٔ خرید اوراق بهادار، سهام و مشارکت بانک‌ها و همچنین، حدود مندرج در جدول «حدود قانونی اعطای تسهیلات بانکی»، در رابطه با عقود سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی به ترتیب ۱ درصد و ۲ درصد کل سپرده‌های بخش خصوصی در طی سال‌های اخیر، منسوخ شد. همچنین براساس پنجمین صورت‌جلسهٔ کمیسیون اعتباری مورخ ۱۳۸۶/۲/۲؛ انجام هرگونه عملیاتی توسط بانک‌ها تحت عناوین بازارگردانی، بازارسازی و.... که به قصد حمایت از سهام خاص صورت می‌گیرد، ممنوع شده است و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری منحصراً می‌توانند در چارچوب «دستورالعمل‌های سرمایه‌گذاری» موضوع بخشنامهٔ شماره مب/۱۸۲ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۶ فعالیت سرمایه‌گذاری خود را متمرکز نمایند. این دستورالعمل‌ها، طبق مادهٔ (۱) این آیین‌نامه، عبارتند از:

۱. بهبود مدیریت ریسک مؤسسات اعتباری در زمینهٔ سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی

۲. کنترل گسترهٔ سرمایه‌گذاری مؤسسات اعتباری در شرکت‌ها، به منظور تداوم فعالیت آن‌ها در سایر حوزه‌های عملیات بانکی.

برطبق ماده‌های (۲) و (۳) این دستورالعمل نیز، سرمایه‌گذاری به این صورت تعریف می‌شود که: مشارکت مؤسسهٔ اعتباری در تأسیس شرکت‌های جدید و خرید سهام شرکت‌های موجود (مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم) و خرید سایر اوراق بهادار (ارزی و ریالی). اگر این سرمایه‌گذاری به منظور کسب سود باشد، نباید از ۲۰ درصد سرمایهٔ مندرج در اساسنامهٔ شخص حقوقی مزبور تجاوز نماید و اگر به منظور گسترش و تنوع خدمات بانکی، ارائهٔ خدمات مالی به مشتریان و حفظ اسرار حرفه‌ای خود باشد، نباید از ۴۹ درصد سرمایهٔ مندرج در در اساسنامهٔ شخص حقوقی سرمایه‌پذیر تجاوز نماید. اگر از ۴۹ درصد تجاوز نماید، مستلزم ارائهٔ گزارش توجیهی به بانک مرکزی و اخذ مجوز قبلی می‌باشد. سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت منتشره و یا تضمین‌شده از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، از این ماده مستثنی بوده و تابع سیاست‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از این‌رو، مؤسسات اعتباری صرفاً مجاز به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های سهامی هستد و سرمایه‌گذاری بی‌واسطه و باواسطه هر مؤسسه اعتباری در اوراق بهادار منتشر شده از سوی اشخاص حقوقی و هر شخص حقوقی، به ترتیب نباید از ۴۰ درصد و ۱۰ درصد سرمایهٔ پایهٔ مؤسسه اعتباری تجاوز نماید (دستورالعمل سرمایه‌گذاری موسسات اعتباری؛ موضوع بند ۳ مادهٔ ۳۴ قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱، تصویب شده در مورخ ۱۳۸۶/۱/۱۸ شورای پول و اعتبار بانک مرکزی ج.ا.ا، مدیریت کل نظارت بربانک‌ها و مؤسسات اعتباری).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

به عدم بازپرداخت تسهیلات بانکی توسط بنگاه‌ها، بانک‌ها اقدام به تملیک ترهینی و سهام متقاضی نموده و این امر باعث بالا رفتن میزان دارایی‌های ثابت بانک‌ها و به تبع آن، افزایش میزان سهم بنگاه‌داری بانک‌ها منجر می‌شود؛ به گونه‌ای که اکثر بانک‌ها از سقف مجاز ۴۰ درصد نسبت دارایی به سرمایه عبور کرده‌اند. از سوی دیگر بانک‌ها جهت عدم تعطیلی بنگاه‌های در اختیار خود که ناشی از عدم بازپرداخت تسهیلات توسط بنگاه‌ها می‌باشند، اقدام به اعطای تسهیلات جدید به آن‌ها می‌نمایند (اصطلاحاً «وام‌دهی ارتباطی» نامیده می‌شود). از این رو انگیزه بالایی برای بازپس‌گیری این تسهیلات ندارند.

به عبارت بهتر یکی از دلایلی که درخصوص مشکلات اعطای تسهیلات مشارکتی مطرح می‌شود، بحث مدیریت منابع و مصارف بانک‌هاست. به این صورت که بانک‌ها با خرید سهام شرکت‌ها یا مشارکت حقوقی در آن‌ها، مالکیت این شرکت‌ها را به‌دست آورده و منابع خود را قفل می‌نمایند. همچنین با توجه به وضعیت فعلی مدیریت منابع و مصارف بانک‌ها، می‌توان این‌گونه عنوان نمود که با پرداخت تسهیلات و عدم توانایی بانک‌ها در تسویه تسهیلات خود، همواره منابع بانک‌ها در شرکت‌های بزرگ قفل شده است و از سوی دیگر منابع بانک‌ها در برخی شرکت‌ها به دلیل معوق شدن تسهیلات، غیرقابل برگشت بوده و قفل می‌باشد و این امر منجر به عدم توانایی بانک‌ها در تأمین منابع مالی موردنیاز بنگاه‌های اقتصادی می‌شود، لذا افزایش تقاضا نسبت به عرضه تسهیلات بانکی (افزایش تقاضای تسهیلات، جهت تأمین سرمایه در گردش در مقابل کمبود منابع بانک‌ها جهت ارائه تسهیلات)، هزینه تأمین مالی و به دنبال آن هزینه تولید را افزایش می‌دهد و منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش تولید شده و کاهش تولید نیز به تبع، رکود بنگاه‌ها را به دنبال خواهد داشت.

۳. افزایش میزان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی

نسبت حجم بالای تسهیلات به میزان سپرده بانک‌ها[۱]، که منجر به افزایش اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی شده، یکی دیگر از دلایل نقش بانک‌ها در بروز پدیده رکودتورمی است. جدول زیر میزان کل مانده تسهیلات و سپرده‌های ریالی و ارزی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در پایان مرداد ۱۳۹۴ را نشان می دهد.

۱ - نسبت تسهیلات به سپرده‌های بانکی، طی سال‌های اخیر به ۱۰۵ درصد رسیده است(www.cbi.ir).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

کل مانده تسهیلات و سپرده‌های ریالی و ارزی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در پایان مرداد ۱۳۹۴

مقاطع زمانی	تسهیلات(جاری و غیرجاری) (میلیارد ریال)	سپرده‌ها(ریالی و ارزی) (میلیارد ریال)	سپرده‌ها پس از کسر ذخیره قانونی*(میلیارد ریال)	نسبت تسهیلات به سپرده‌ها پس از کسر ذخیره قانونی (درصد)
مرداد ماه ۹۳	۶/۰۷۸/۴۰۰	۷/۴۰۹/۱۴۹	۶/۵۶۸/۸۳۳	۹۲.۵
اسفندماه ۹۳	۶/۷۳۹/۷۴۴	۸/۱۹۲/۷۶۱	۷/۲۵۷/۰۳۵	۹۲.۹
مرداد ماه ۹۴	۷/۰۶۱/۱۶۹	۹/۱۲۷/۶۶۰	۸/۰۹۸/۶۲۵	۸۷.۲

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

* سپردهای ارزی فاقد سپرده قانونی می‌باشد.

همانطور که از جدول فوق قابل مشاهده است، مانده کل سپرده‌ها در پایان مرداد ماه ۱۳۹۴، بالغ بر ۹۱۲۷.۷ هزار میلیارد ریال گردیده است که نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۱۷۱۸.۵ هزار میلیارد ریال (۲۳.۲ درصد) و نسبت به پایان سال قبل معادل ۹۳۴.۹ هزار میلیارد ریال (۱۱.۴ درصد) افزایش نشان می‌دهد. همچنین میزان کل تسهیلات بالغ بر ۷۰۶۱.۲ هزار میلیارد ریال می‌باشد که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۹۸۲.۸ هزار میلیارد ریال (۱۶.۲ درصد) و نسبت به سال قبل ۳۲۱.۴ هزار میلیارد ریال (۴.۸ درصد) افزایش داشته است. لذا نسبت بالای تسهیلات به سپرده‌ها، بانک‌ها را منجر به افزایش اضافه برداشت از بانک مرکزی نموده است. این روش اعطای تسهیلات، یکی از شیوه‌های ناپایدار تأمین منابع مالی است که باعث افزایش نسبت بین بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و تسهیلات اعطایی شده است. برای مثال، بانک مسکن طبق آخرین آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۵۸ درصد تسهیلات اعطایی خود را از محل منابع بانک مرکزی تأمین نموده است؛ این به این معنی است که بیشتر تسهیلات این بانک، با استفاده از منابع بانک مرکزی اعطا شده است.

همچنین افزایش حجم مطالبات معوق و مشکوک الوصول و خارج شدن منابع بانک‌ها به سمت مؤسسات غیرمجاز (بانکداری سایه) و قفل شدن منابع بانک‌ها در بنگاه‌های وابسته به خود، درصد وابستگی بانک‌ها به منابع بانک مرکزی را نیز روز به روز افزایش داده است و به اضافه برداشت مکرر و بیشتر بانک‌ها انجامیده است که این امر باعث بازگشت تورم به اقتصاد کشور شده است؛ چرا که افزایش میزان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی با نرخ ۳۴ درصد انجام می‌شود. لذا بانک‌ها با دریافت این منابع، عمدتاً جهت پوشش آن، مجبور به اعطای تسهیلات با نرخ بالاتر از ۳۴ درصد می‌باشند و این امر منجر به تورم شدیدتری شده و این تورم شدید در کنار رکود حاکم بر بنگاه‌های کشور، رکودتورمی گسترده‌تر از قبل را به دنبال داشته است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

از سوی دیگر،میزان تسهیلات اعطایی بانک‌ها به یکدیگر در بازار بین بانکی نیز با نرخ‌های توافقی صورت می‌گیرد که عمدتاً با نرخ‌هایی بالاتر از ۲۴ درصد انجام می‌شود، که این امر نیز منجر به افزایش نرخ‌های سود تسهیلات پرداختی بانک‌ها و افزایش هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها شده است.در جدول ذیل، میزان بدهی بانک‌های تجاری و تخصصی به بانک مرکزی تا پایان مرداد ماه ۱۳۹۴ناشی از اضافه برداشت را بیان می‌کند:

میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی تا پایان مرداد ماه ۱۳۹۴

نوع بانک‌ها و مؤسسات	مبلغ بدهی (میلیارد ریال)	درصد بدهی
بانک‌های تخصصی	۵۴۳۳۱۸.۳	۶۷ درصد
مؤسسات غیردولتی و غیربانکی	۱۴۶۱۵۲.۵	۱۸ درصد
بانک‌های تجاری	۱۲۴۲۰۴.۹	۱۵ درصد
مجموع	۸۱۳۶۷۵.۷	۱۰۰

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که از نمودار فوق قابل مشاهده است، بیشترین میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به ترتیب مربوط به بانک‌های تخصصی[1] با ۶۷ درصد، مؤسسات غیردولتی و غیربانکی با ۱۸ درصد و بانک‌های تجاری با ۱۵ درصد، بیشترین میزان بدهی را به بانک مرکزی دارند.

لذا با توجه به عمده دلایل فوق، این نتیجه حاصل می‌شود که اقتصاد کشور ایران با توجه به ماهیت و ساختار بانک‌محوری خود، بانک‌ها نقش کلیدی را در بروز پدیده رکودتورمی دارند و لذا نقش نظام بانکی در بروز این پدیده کلیدی و محوری تلقی می‌شود. از این رو عمده اقداماتی که نظام بانکداری می‌تواند در راستای خروج از شرایط رکودتورمی انجام دهد شامل؛ ارتباط نظام‌مند با بخش حقیقی اقتصاد و اعطای تسهیلات قاعده‌مند، ارتباط نظام‌مند با بازار سرمایه و کمک به تعمیق این بازار و همچنین گسترش مراودات با سایر بازارهای مالی، ارتباط نظام‌مند با اقتصاد دانش‌محور و فراهم آوردن زمینه و بستر لازم برای توسعه تولیدات بنگاه‌های دانش بنیان، ارتباط نظام‌مند با اقتصاد مردمی و مشارکتی و اجرای دقیق عقود مشارکتی و ارتباط نظام‌مند با سایر بخش‌های مرتبط با نظام بانکی مثل نظام مالیاتی، نظام گمرکی و... می‌باشد(حقیقی و مؤمنی نژاد، ۱۳۹۴)؛ که در این راستا با بهبود فضای کسب و کار و تخصیص نمودن منابع در بخش‌های واقعی اقتصاد، می‌تواند زمینه خروج از شرایط رکود تورمی را نیز فراهم نماید.

۱- بانک مسکن در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۳۴ درصد و در سال ۱۳۹۲ نیز حدود ۲۰۲ درصد اضافه برداشت از بانک مرکزی داشته است (www.cbi.ir).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

نتیجه‌گیری

تعمیق و گسترگی بازارهای مالی، نقش به سزایی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌تواند ایفاء کند.

ساختارهای مالی مناسب برای انجام فعالیت‌های سالم و کارآمد مالی،یکی از مسائل مهم در مباحث مالیاست. در این میان، یکی از دغدغه‌های موجود میان اقتصاددانان و متخصصان مالی این است که کدام ساختار مالی بهتر می‌تواند اقتصاد را در دستیابی به اهداف خویش یاری رساند.از این رو تأمین مالی، بسته به میزان تأکید متقاضیان سرمایه به روی‌آوری به بازار سرمایه یا بانک‌ها متفاوت است. بنابراین، با توجه به اهمیت بازارهای مالی و نقش و کارکرد آن‌ها در اقتصاد، نظام مالی دارای ساختار مالی «بانک پایه» یا «بازار پایه» می‌باشد.مروری بر نظام بانکی کشور نیز نشان می‌دهد که، از ابتدای شکل‌گیری بازارهای مالی تاکنون، نظام مالی کشور ساختاری بانک‌محور داشته و بازار سرمایه یا وجود نداشته و یا از وجودی نحیف برخوردار بوده و در سایهٔ نظام بانکی به سر برده است.

پدیده رکودتورمی (یا تورم‌رکودی) به بروز هم‌زمان دو معضل اقتصادی «نرخ تورم بالا» و «نرخ پایین رشد اقتصادی(نرخ بیکاری بالا)»گفته می‌شود که با استفاده از شاخص فلاکت (حاصل‌جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری) بدست می‌آید و عوارض و پیامدهای بسیار نامطلوبی از جنبه‌های مختلف برجامعه تحمیل می‌کند.

بررسی شرایط اقتصادی کشور ایران نیز حاکی از این است که به طور بالقوه آمادگی پذیرش این پدیده در اقتصاد کشورمان وجود دارد. به گونه‌ای که کسری‌های مداوم بودجه، شوک‌های ارزی حاصل از درآمد نفت (اقتصاد نفتی و بیماری هلندی)، بی‌انضباطی مالی دولت و سیاست‌های پولی نادرست (عمدتاً انبساطی) و... از مهم‌ترین عوامل بروز این پدیده در اقتصاد ایران هستند که به صورت ساختاری، در اقتصاد کشور نهادینه شده هستند.

با توجه به بانک‌پایه بودن نظام مالی کشور، عدم اعطای تسهیلات هدفمند از سوی بانک‌ها و حرکت به سمت عقود مشارکتی، افزایش مطالبات غیرجاری و بنگاه‌داری بانک‌ها، عدم بازگشت بدهی‌های دولت، پیمانکاران و بنگاه‌های دولتی به بانک‌ها و همچنین افزایش میزان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزیاز عمده دلایل نقش بانک‌ها در بروز پدیده رکودتورمی در اقتصاد کشور می‌باشند.

عمده اقداماتی که نظام بانکداری می‌تواند در راستای خروج از شرایط رکودتورمی انجام دهد شامل؛ ارتباط نظام‌مند با بخش حقیقی اقتصاد و اعطای تسهیلات قاعده‌مند، ارتباط نظام‌مند با بازار سرمایه و کمک به تعمیق این بازار و همچنین گسترش مراودات با سایر بازارهای مالی، ارتباط

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

نظام‌مند با اقتصاد دانش‌محور و فراهم آوردن زمینه و بستر لازم برای توسعه تولیدات بنگاه‌های دانش بنیان، ارتباط نظام‌مند با اقتصاد مردمی و مشارکتی و اجرای دقیق عقود مشارکتی و ارتباط نظام‌مند با سایر بخش‌های مرتبط با نظام بانکی مثل نظام مالیاتی، نظام گمرکی و... می‌باشد؛ که در این راستا با بهبود فضای کسب و کار و تخصیص نمودن منابع در بخش‌های واقعی اقتصاد، می‌تواند زمینه خروج از شرایط رکود تورمی را نیز فراهم نماید.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

منابع

۱. باستانی فر، ایمان و رخساره میرزایی، «تحلیل ریشه‌های رکودتـورمی در اقتصـاد ایـران و ارائـه راهکارهای برون‌رفت»، فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی، س ۷، ش ۲۱، پاییز ۱۳۹۲.

۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir).

۳. تقوی، مهـدی و سـیداحمد غـروی نخجـوان، «تـورم رکـودی در اقتصـاد ایـران»، پژوهشـنامه اقتصادی ایران، شماره ۹، ۱۳۸۲.

۴. حاجیان، محمدرضا، موانع و مشکلات اجرای عقـود مشـارکتی در نظـام بـانکی کشـور ، تهـران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۰.

۵. حقیقی، میثم و ناهید مؤمنی نژاد، «تبیین نقش نظـام بانکـداری اسـلامی در خـروج از شـرایط رکود تورمی (با محوریت تحقق اصول اقتصاد مقاومتی)»، اصفهان، مجموعـه مقـالات نخسـتین کنفرانس ملی رویکرد بانکداری اسلامی در خروج غیرتورمی از رکود، آذرماه ۱۳۹۴.

۶. خانی قریه‌گپی و همکاران (۱۳۹۲) «شناسایی علل رکودتورمی در ایران: روش تصـحیح خطـای خودبرازش کننده آستانه‌ای»، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، شماره ۷ (۴)، ۱۳۹۲.

۷. خلیلی عراقی، م و علی سوری، راهنمـای نـوین در اقتصـاد کـلان (ترجمـه)، تهـران: انتشـارات برادران، ۱۳۸۳.

۸. رحمتـی، محمدحسـین و سـیدعلی مـدنی‌زاده، «رکودتـورمی و راهکارهـای خـروج»، تهـران: پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آذر ماه ۱۳۹۳.

۹. رحمانی، تیمور، اقتصاد کلان (۲)، تهران: انتشارات دانشگاه برادران، چاپ دهم، پاییز ۱۳۸۷.

۱۰. شاکری، عباس، «تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ایـران، وضـعیت متغیرهـای کـلان اقتصـادی» (گزارش علمی شماره ۱۳۴۷۹)، دفتر مطالعات اقتصـادی مرکـز پـژوهش‌هـای مجلـس شـورای اسلامی، ۱۳۹۲.

۱۱. کمیجانی، اکبر «توسعه و تعمیق بازارهای مالی و ارائه راهکارهایی برای گسترش سهم بازارهای مالی ایران»، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، بانـک مرکـزی ج.ا.ا، موسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۷.

۱۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «تحلیـل پدیـده رکودتـورمی و عوامـل ایجـاد آن در اقتصاد ایران»، ۱۳۸۶.

۱۳. نظرپور، محمدنقی و میثم حقیقی، ارتباط متقابل بانکداری اسلامی و بازار سرمایه، قم؛ انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۲.

14. Levine, Ross & Zervos, Sara, "Stock Markets, Banks and Economic Growth", American Economic Review. Vol88 (3), 1998

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]